



# مخالفت با دختر شهرستانی

تنها پسر خانواده بعد از پنج دختر هستیم که تا کنون بدون هیچ مخالفتی از طرف پدر و مادرم به تمام خواسته‌هایم رسیده‌ام! مدتی است با دختری در دانشگاهمان در قزوین آشنا شده‌ام. متأسفانه خانواده‌ام چون دختر مورد نظرم شهرستانی است و تصمیم هم ندارد به تهران بیاید به شدت مخالف ازدواجمان هستند. همراز عزیز من هم با زندگی در شهر آنها موافق هستم، ولی پدرم به شدت مخالف است و تهدیدم کرده که اگر اینکار را بکنم به کلی باید قید خانواده‌ام را بزنم و برای همیشه از آنها دوری کنم!

به نظر شما این تصمیم پدرم منطقی است در صورتی که احساس می‌کنم در شهر آنها می‌توانم موفق باشم و با توجه به رشته تحصیلی‌ام در بخش ساخت و ساز با کمک پدرم آینده‌ام را بسازم. حالا چه کار کنم که بتوانم پدرم را متقاعد کنم.

محمدی فر --- تهران

- همراز عزیز، متوجه هستیم که علاقه و عاطفه قلبی شما به این دختر خانم، انگیزه چنین تصمیم غیر منطقی شده است اما باید در نظر داشته باشید که این تصمیم ناشی از وابستگی احساسی شماست. و طبیعی است هرگونه وابستگی، مثل اعتیاد جلوی استدلال و منطق را سد می‌کند. به گمانم دلایل متعددی وجود دارد که شما را به این تصمیم رسانده از جمله: کم تجربه گی تان، اینکه تاکنون با چالشهای واقعی زندگی بدلیل حمایت‌های زیاد والدین رو برو نشده‌اید، یا تمرکز به حال به جای پیامدسنجی و آینده نگری و هم چنین حساب باز کردن روی کمک پدرتان و نه خودتان به عنوان مرد مسئول خانواده‌ای که تشکیل می‌دهید، آنهم در شهری که برای شما غریب و ناآشناست و..

بنابراین لازم است کمی با فاصله گیری از کشش و علاقه قلبی تان به موضوع فکر کنید. چطور دختر مورد علاقه تان که مسئولیت اداره کردن زندگی را به عهده ندارد حاضر نیست به شهر شما نقل مکان کند ولی شما با وجود داشتن چنین مسئولیت سنگینی بدون در نظر گرفتن شرایط و تحقیق درباره اوضاع آن شهر برای رفتن مصمم هستید؟ به گمانم بهتر است قبل از هر تصمیمی خوب بیندیشید و فارغ از احساسات، پیامدها و هزینه‌هایش را در درازمدت بسنجید.

## خواستگارم خود را عاشق و دلباخته نشان می‌دهد

دختری ۲۴ ساله و مشغول به تحصیل می‌باشم. همراز عزیز مدتی است به صورت پاره وقت در شرکتی مشغول به کار می‌باشم. در این مدت خواستگاری پیدا کرده‌ام که خود را خیلی عاشق و دلباخته نشان می‌دهد و خیلی هم اصرار به نامزدی و روشن شدن تکلیفش دارد. البته ایشان دیپلمه هستند و به صورت روز مزد در این شرکت مشغول به کار هستند. مشکل اصلی من خانواده و شهرستانی بودن او است زیرا خودش می‌گوید که با خانواده‌اش مشکل دارد و فقط برای مراسم رسمی آنها می‌آیند و خودش به تنهایی می‌خواهد با خانواده‌ام آشنا شود. این رفتارش مرا خیلی نگران کرده، در صورتی که در شرکت تمام همکاران از او تعریف می‌کنند و مورد تایید همه است. در بین دوراهی مانده‌ام. از طرفی با رفتارهایش مرا شیفته خودش کرده از طرفی هم مشکلاتش با خانواده‌اش را نمی‌توانم بپذیرم. لطفا کمک کنید.

### بهتر است از احساس و ابراز دلباختگی‌های ایشان کمی فاصله بگیرید و با منطق و تحقیق کافی و اطلاع خانواده‌ها مسیر آشنایی تان را پی بگیرید

همراز عزیز! خوب است بدانیم وقتی در درونتان احساس نگرانی دارید به احتمال زیاد این نگرانی درست است و بهتر است نادیده اش نگیرید. برای ارزیابی مناسب بودن یا نبودن خواستگارتان مولفه‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام در آینده ازدواج شما موثر خواهند بود. درست است که نفر اصلی که شما برای زندگی انتخاب می‌کنید ایشان است اما اینکه ایشان در چه فرهنگ و خانواده‌ای بزرگ و تربیت شده‌اند و خط فکری و الگوهای ذهنی که از آن خانواده گرفته‌اند چیست هم مهم است چون در ساخت شخصیتی ایشان تاثیر داشته‌اند اتفاقاً زمانی که فرزندی اختلاف یا چالش جدی با خانواده اش دارد تا این حد که به ترک خانه یا بی اعتبار کردن آنها می‌انجامد، قضیه مهمتر هم می‌شود بنابراین لازم است زمان و وقت بیشتری برای شناخت درست تری از ایشان و پیدا کردن مسائل و دلایل لجبازی‌ها و قهر و جدل آنها صرف کنید چرا که تمامی اینها ممکن است در آینده در روابط و زندگی خودتان هم اثر بگذارد. نکته دیگر وضعیت شغلی خواستگارتان است که به صورت روز مزد مشغول به کار است. آگاه باشید که این وضعیت شغلی در حال و آینده در تامین و رشد موقعیت مالی و اقتصادی ایشان بی ثباتی ایجاد می‌کند. به گمانم بهتر است از احساس و ابراز دلباختگی‌های ایشان کمی فاصله بگیرید و با منطق و تحقیق کافی و اطلاع خانواده‌ها مسیر آشنایی تان را پی بگیرید.



کمی با فاصله گیری از کشش و علاقه قلبی تان به موضوع فکر کنید، بهتر است قبل از هر تصمیمی خوب بیندیشید و فارغ از احساسات، پیامدها و هزینه‌هایش را در درازمدت بسنجید.